
The Historic Urban Landscape and Change Management: An Analytical Critique of the Values-based Management Models

Sanaz Jafarpour Nasser^{1*}, Eisa Esfanjary Kenari², Manouchehr Tabibian³

1. PhD Student in Architectural and Urban Conservation, School of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor of Architectural and Urban Conservation, Art University of Isfahan, Iran.

3. Professor of Urban Design & Planning, University of Tehran, Iran.

The focus on cities as living heritage and on community-led endeavors challenges urban planning and development systems, and poses increasing complexity around decisions on what attributes and values to protect for future generations in a constantly changing environment. In 2011, UNESCO adopted the Historic Urban Landscape (HUL) recommendation and called for the application of a landscape approach to ensure the integration of cultural heritage policies and management concerns in the wider goals of sustainable urban development. Although many scholars have cited the HUL as a tool to manage change and reinterpret the values of urban heritage, over the past decade, heritage management tools and practices have faced limitations in achieving the goals of the HUL approach. These limitations point to a gap between the internal purposes of the HUL approach at the conceptual level and its external reality at the operational level. This paper attempts to address this gap by providing an analytical critique of the values-based decision-making tools, and their guidelines and outcomes. The aim is to determine whether change management tools, and particularly the Heritage Impact Assessment (HIA), share a common heritage discourse with the action plan of the HUL approach.

The methodology applied in this study focuses on the research purpose through a qualitative approach, and uses critical discourse analysis (CDA) with inductive strategy to advance the research process. Critical discourse analysis is a qualitative analytical approach for critically describing, interpreting, and explaining the ways in which discourses construct, maintain, and legitimize social inequalities. CDA is an application of discourse analysis, it stems from a critical theory of language which sees the use of language as a form of social practice. CDA is a useful approach for heritage researchers who explore

connections between management practices and social contexts.

Results show that while the HUL approach refer to the heterodox heritage discourse at the conceptual level, the tools used at the operational level follow the orthodox heritage discourse. This has led to a practice that preferably focuses on the tangible qualities of fabric and historical facts independently of how people perceive and value their heritage. Results also show that while the HUL action plan for assessing and managing urban heritage resources emphasizes a more democratic and participatory approach, a values-based approach, though supposedly placing people at the core of management (through the concept of stakeholder groups), actually tends to promote community involvement within legitimating norms and enforcement of expert rule.

We argue that the implicit assumptions in the HIA guidelines derive from the hegemonic discourses in heritage management, rather than from the critical or heterodox discourses. Heterodox heritage studies represent the move away from understanding heritage as an assemblage of artefacts, monuments, sites and manifestations, disconnected from social and political contexts, and towards a contextual understanding of heritage as a discourse. In order to overcome the limitations of conventional change management tools, this study recommends the application of human-centered and context-based approach in values-based decision-making tools. This could make HUL a more effective heritage management tool as a holistic, integrated, and values-based approach.

Keywords: Heritage Management Discourses, Historic Urban Landscape Approach, Change Management, Heritage Impact Assessment, Values-based Management Models.

* Corresponding author. E-mail: s.jafarpour@ai.ac.ir



منظر شهری تاریخی و مدیریت تغییر: نقدی تحلیلی از مدل‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها

ساناز جعفرپورناصر^۱، عیسی اسفنجاری کناری^۲، منوچهر طیبیان^۳

۱. دانشجوی دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. استادیار، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استاد، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴)

چکیده

درحالی‌که بسیاری از پژوهشگران رویکرد منظر را آینده‌مدیریت میراث می‌دانند، و از رویکرد منظر شهری تاریخی (HUL) به‌عنوان ابزاری برای درک و مدیریت تغییر و نیز تفسیری مجدد از ارزش‌های شهری یاد کرده‌اند؛ بااین‌حال، طی یک‌دهه گذشته، ابزارها و شیوه‌های مدیریت میراث در تحقق اهداف رویکرد منظر شهری تاریخی به‌عنوان رویکردی کل‌نگر، بین‌رشته‌ای، و مبتنی بر ارزش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده‌اند. این مقاله سعی دارد به‌منظور بررسی علل بروز محدودیت‌ها با نقدی تحلیلی به شکاف میان هدف درونی رویکرد HUL در سطح مفهومی و واقعیت بیرونی آن در سطح عملیاتی بپردازد. هدف این است که مشخص شود آیا ابزارهای فعلی مدیریت تغییر، به‌ویژه ارزیابی اثرات میراثی (HIA)، جهت کاربرد در دستورالعمل‌های اجرایی رویکرد HUL از گفتمان مشترکی برخوردارند یا خیر. روش‌شناسی مورد کاربرد با تمرکز بر هدف پژوهش، دارای رویکردی کیفی است و به‌منظور پیشبرد فرآیند تحقیق از تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) با راهبردی استقرایی بهره می‌برد. نتایج نشان می‌دهد درحالی‌که رویکرد HUL در سطح مفهومی به گفتمان میراثی هترودکس (مرتبط با گروه‌های ذی‌نفع) نزدیک می‌شود، اما در سطح عملیاتی به‌واسطه ابزارهای مورد کاربرد از گفتمان میراثی ارتدکس (مرتبط با دکترین حفاظت و کارشناسان) تبعیت می‌کنند. این امر در تصمیم‌گیری‌های مدیریت میراث شهری به رویه‌ای اقتدارگرا منجر شده است که با تمرکز بر کیفیت ملموس بافت، مستقل از نحوه درک و ارزش‌گذاری مردم نسبت به میراث خود، فاصله زیادی را مابین اهداف و اقدامات صورت‌گرفته موجب می‌شود. این پژوهش در راستای تحقق‌پذیری سیاست‌های رویکرد HUL، به‌کارگیری ابزارهایی با رویکرد انسان‌محور و مبتنی بر زمینه را پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی

گفتمان‌های مدیریت میراث ارتدکس (Orthodox) و هترودکس (Heterodox)، رویکرد منظر شهری تاریخی (HUL)، مدیریت تغییر (CM)، ارزیابی اثرات میراثی (HIA)، مدل‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها (VBMmodels).

مقدمه

حفاظت به‌عنوان یک فرآیند مدیریت تغییر پویا به‌جای یک رویکرد محافظه‌کارانه ایستا، سیاست‌گذاری‌های حوزه میراث به پیاده‌سازی این فرآیند از طریق «رویکردی مبتنی بر ارزش‌ها»^۱ سوق یافته‌اند. در این زمینه، برخی از کمیته‌های ملی ایکوموس (e.g. English ICOMOS 1999)، برخی نهادها (e.g. English Heritage 2008) و نیز مؤسساتی غیردولتی مانند «مؤسسه حفاظتی گتی» (GCI) (de la Torre 2002; Avrami et al. 2019)، با هدف حفظ «منزلت فرهنگی مکان» در فرآیند تصمیم‌گیری، با کاربرد «مدل‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها» دستورالعمل‌هایی را در راستای مدیریت تغییر تدوین نموده‌اند (Silva and Pereira 2012, 23). باین‌حال، مدل‌های مبتنی بر ارزش‌ها با درپیش گرفتن رویکردی «کثرت‌گرایانه» (Pluralistic) و در عین حال «تقلیل‌گرا» (Reductionist) نسبت به مقوله میراث (گونه‌شناسی، تفکیک‌پذیری به ملموس و ناملموس، منقول و نامنقول، ...) (Mason 2002; Avrami and Mason 2019)، به‌خودی خود یک «چالش» روش‌شناسانه تلقی می‌شوند (Mason 2006; Pereira Roders and Hudson 2011).

در رویکرد HUL حرکت از «یادمان‌ها» به «شهرهای زنده» صرفاً به تغییر تفکری در مفهوم و مقیاس میراث اشاره ندارد بلکه حاکی از تهیه ابزارهایی مکمل برای تعریف فرآیندی بهتر به‌منزله گنجاندن تحولات «زمینه» (Context) و «بستر» (Setting) منابع میراث شهری در تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی است (Turner 2013, 79). بدین ترتیب، ضرورت دستیابی به مبنایی برای قضاوت عادلانه در فرآیند تصمیم‌سازی حفاظت و توسعه موجب شد تا لزوم تدوین ضوابطی برای «ارزیابی اثرات میراثی» (HIA)، در صدر نیازهای حوزه حفاظت شهری قرار گیرد. از این رو، «ایکوموس» در ژانویه ۲۰۱۱ م. به‌منظور ارزیابی کارآمد تهدیدهای احتمالی ناشی از توسعه بر «ارزش برجسته جهانی» (OUV) دارایی‌های «میراث جهانی» (WH)، سندی را با عنوان «راهنمای ارزیابی اثرات میراثی برای دارایی‌های فرهنگی میراث جهانی»^۲ منتشر نمود (ICOMOS 2011).

اگرچه «مدل‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها» روشی موفق در

حراست از دارایی‌های فرهنگی، آنچه امروزه «مدیریت میراث فرهنگی» و یا «مدیریت منابع میراثی» خوانده می‌شود، در ابتدا معطوف به حفاظت از «ابنیه یادمانی» با دیدی هنری-تاریخی بود، حتی اگر «منزلت فرهنگی» (Cultural Significance) به ناحیه‌ای شهری متناسب می‌گشت. این «رویکرد مبتنی بر شیء» با تأکید بر حفظ و انتقال ارزش‌های متناسب به جنبه‌های ملموس دارایی‌های میراث فرهنگی، عملاً در نسبت‌دادن ارزش به امری ناملموس، کلان مقیاس، و مبتنی بر فرآیند/تولید، مانند مفاهیم شهری، ساختارها، فرآیندهای تکاملی، یا آداب و سنن محلی با محدودیت مواجه می‌شد؛ و از طرفی، با پرداختن به آنچه باید برای حراست نگهداری شود، به‌طور خودکار در تقابل با توسعه قرار می‌گرفت (Veldpaus 2015, 37). با شکل گرفتن «تغییر پارادایمی» در دکرین حفاظت شهری از اوایل قرن بیست و یکم، مدیریت میراث شهری از تأکید بر یادمان‌های معمارانه به‌سوی شناختی گسترده‌تر از اهمیت فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی در حفاظت از ارزش‌های شهری سوق یافت. این رویکرد نوین با عنوان «رویکرد منظر شهری تاریخی» (HUL)^۱، با نگاهی ویژه به تنوع اجتماعی و عملکردی شهرهای تاریخی، مفاهیمی مانند تغییر و توسعه را دربرمی‌گیرد. آن با تأکید بر ادغام راهبردهای حفاظت از میراث شهری در اهداف کلان‌تر توسعه پایدار، «حفاظت» را به‌عنوان کاهنده اثرات منفی توسعه اجتماعی-اقتصادی معرفی کرده، و با ایجاد زمینه‌ای برای پذیرش تغییر به‌عنوان بخشی ذاتی و جدایی‌ناپذیر از سرشت پدیده‌ای پویا به نام شهر، موجب می‌شود تا مفهوم «حفاظت» در راستای مفهوم «مدیریت تغییر»^۲ قرار گیرد (UNESCO 2011, Arts. 4,5,11; Bandarín and Van Oers 2012, 111).

دو جریان شاخص در حوزه میراث، با عناوین «حفاظت میراث مبتنی بر ارزش‌ها»^۳ و «مطالعات انتقادی به میراث»^۴، در تغییر دیدگاه از یک فضای «بافت‌محور» به یک فضای «انسان‌محور» در مقوله شیوه حفاظت از منابع میراثی تأثیرگذار بوده‌اند (Wells and Stiefel 2019, 14). بررسی متون مرتبط با مدیریت منابع میراثی در دهه‌های اخیر بیانگر آن است که با مطرح شدن

زمینه حفاظت (مدیریت تغییر) از دارایی‌های میراث فرهنگی در قبال رویکرد مبتنی بر کالبد بوده‌اند، باین‌حال، ارائه این فرآیند در اقدامات حرفه‌ای، زمانی که مباحث به انتخاب و ارزیابی ارزش‌ها، اولویت‌بندی آن‌ها، و راهکارهایی برای حل و فصل تعارضات بین ذی‌نفعان معطوف می‌گردد، غالباً با محدودیت‌هایی روبه‌روست (Poulios 2010, 173; de la Torre 2014, 22). پرداختن به این مسئله زمانی ضرورت می‌یابد که علی‌رغم تأکید توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی بر کاربرد ارزیابی اثرات میراثی (HIA) در برنامه اقدام شش مرحله‌ای خود (UNESCO 2011, 50)، ابزارهای تصمیم‌سازی مورد کاربرد برای HIA از تأمین اهداف رویکرد HUL باز می‌مانند (Patiwael et al. 2019; Rodwell and Turner 2018). این امر به شکاف میان «هدف درونی» رویکرد HUL در سطح مفهومی و «واقعیت بیرونی» آن در سطح عملیاتی اشاره دارد؛ مسئله‌ای که برای شفاف‌شدن ابعاد آن نیازمند نقدی تحلیلی از «گفتمان‌های مدیریت میراث» در دو سطح مفهومی و عملیاتی از رویکرد HUL است.

«لیکسینسکی» با تحلیلی بر رابطه میان «قانون میراث»^۸ (HL) و «مطالعات میراث»^۹ (HS)، در یک دسته‌بندی دوتایی بین آنچه او رویکردهای «ارتدکس» (Orthodox) و «هترودکس» (Heterodox) می‌نامد، تمایز قائل می‌شود. بنابر استدلال وی، «مطالعات میراث» در رویکردهای ارتدکس (اصالت، یکپارچگی، و حفاظت) با تعریفی شیء‌محور از میراث بر صیانت از ارزش ذاتی آن تأکید داشته، و «قانون» بخشی از حدود هنجاری است که در آن میراث می‌تواند ایجاد، وضع و محافظت شود. از این نظر، قانون به‌عنوان ابزاری در نظر گرفته می‌شود که به آرمان‌های HS جهت می‌دهد. حال آنکه، در رویکردهای هترودکس (درکی انتقادی از میراث به‌عنوان یک برساخت سیاسی) میراث وسیله‌ای است که از طریق آن هویت شکل می‌گیرد، منازعه و مذاکره می‌شود و روابط قدرت برقرار می‌شود. در HS هترودکس به میراث به‌عنوان فرآیندی فاقد ارزش ذاتی نگریسته می‌شود، به این معنا که ارزش‌های مختلف نسبت داده‌شده به میراث در واقع ابزاری برای پیگیری اهداف اجتماعی، سیاسی و قانونی گسترده‌ترند (Lixinski 2015, 205-206). این رویکرد نشان‌دهنده فاصله گرفتن از درک میراث به‌عنوان مجموعه‌ای از مصنوعات جداشده از زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، و حرکت به سوی درکی زمینه‌ای از میراث به‌عنوان یک «گفتمان» است (ibid, 209).

«ولز» در راستای مطالعات لیکسینسکی، با اشاره به حرکتی از

گفتمان‌های جاری در نظریه و شیوه مدیریت میراث

طی دو دهه اخیر در حوزه مطالعات میراث، تعدادی از طبقه‌بندی‌های دوتایی از گفتمان‌های مدیریت میراث پدیدار شده‌اند (e.g. Smith 2006; Lixinski 2015; Wells 2015a). این طبقه‌بندی‌های دوتایی، گفتمان‌ها را بر اساس مشخصه‌های مختلفی، مانند عقل‌گرا-تجربه‌گرا (Rationalistic- Empiricist)، اقتدارگرا-دموکراتیک (Authoritarian-Democratic)، و حمایت‌گرا-فایده‌گرا (Protectionist-Utilitarian) متمایز می‌کنند (Wells and Stiefel 2019; Patiwael et al. 2019).

«اسمیت» با شناسایی «گفتمان میراث مرجع» (Authorised Heritage Discourse)، در مقابل رویه گفتمانی «میراث به‌مثابه فرآیند» (Heritage as Process)، به یک گفتمان غالب غربی از میراث اشاره دارد که «به‌یادمانی بودن و بزرگ مقیاسی، منزلت مصنوع گره‌خورده با عمق زمان، قضاوت کارشناسانه علمی/زیبایی‌شناختی، وفاق اجتماعی و ملت‌سازی امتیاز می‌دهد» (Smith 2006, 4). در این گفتمان هژمونیک «مراقبت

زمانی که این شواهد با ضوابط و مقررات مشروعاً اجباری در تضاد باشند. این امر منجر به شیوه‌ای شده است که ترجیحاً بر کیفیت ملموس بافت و واقعیت‌های تاریخی، مستقل از نحوه درک/ ارزش‌گذاری/ احساس مردم نسبت به میراث خود، تمرکز می‌نماید (ibid, 14).

بدین ترتیب، «گفتمان میراث مرجع» اسمیت با رویکردی بافت محور و متخصصانه به گفتمان «ارتدکس» لیکسینسکی نزدیک است. پیامد گفتمان ارتدکس در مدیریت میراث شهری، اهمیت یافتن حفظ منابع میراثی بر کاربرد اجتماعی آن‌هاست. گفتمان «میراث به مثابه فرآیند» نیز با ارائه رویکردی انسان‌محور و همسو با گفتمان «هترودکس» بر چگونگی ایجاد و استفاده از معانی میراث توسط ذی‌نفعان مختلف تأکید دارد. در این پژوهش، هدف آن است تا نشان داده شود آیا رویکرد HUL در سطح مفهومی و عملیاتی (مدیریت تغییر) به گفتمان‌های مدیریت میراث مشترکی اشاره دارد یا خیر، و اگر چنین نیست، چگونه این گفتمان‌ها می‌توانند به ایجاد تعارضات میان ذی‌نفعان منجر شوند. از این‌رو، مشخصه‌های گفتمان‌های مدیریت میراث بر مبنای نظریات اسمیت و لیکسینسکی و مطالعات بسط‌یافته پیرامون آن‌ها در قالب دو گفتمان ارتدکس و هترودکس بیان می‌گردد (جدول ۱).

پارادایم اثبات‌گرایی به الگویی از برساخت‌گرایی، نظریه انتقادی و پساستعماری در حوزه مطالعات میراث، از دو نظریه میراث «ارتدکس» و «هترودکس» نام می‌برد. وی شیوه حفاظت از میراث را به دلیل دگرگونی ترویج‌شده از طریق ضوابط کارشناسانه، همچنان تحت سلطه ایده ارتدکس می‌داند و ابزارهای ارزیابانه آن را از پاسخ‌گویی به رویکردهای از پایین به بالا در ایده هترودکس که میراث را به منزله ابزاری برای عدالت اجتماعی و توانمندسازی جامعه در نظر می‌گیرد، ناتوان می‌خواند. ولز با پیشنهاد «پژوهش کنشی مشارکتی»^{۱۰} به‌عنوان ابزاری برای میراث هترودکس، سعی در تغییر نقش کارشناسان میراث به «تسهیل‌گران» خبره دارد (Wells 2015a, 249). در ادامه، «ولز» و «استیفل» با اشاره به دو رویکرد «بافت محور» و «انسان محور» در شیوه حفاظت از میراث، با نقدی بر عملکرد «شیوه حفاظت ارتدکس»، به‌منظور دستیابی به یک شیوه حفاظتی دموکراتیک‌تر و رهایی‌یافته از ضوابط کارشناسانه، بر شیوه‌ای «مبتنی بر شواهد»^{۱۱} تأکید می‌کنند (Wells and Stiefel 2019, 1). شواهد در دانش «مطالعات میراث هترودکس» و از طریق علوم اجتماعی کاربرد و روش‌های تحقیق مشارکتی تولید می‌شوند. آن‌ها استدلال می‌کنند که شیوه حفاظت ارتدکس برای تقویت مبنای عقل‌گرایانه خود (تأکید بر قطعیت و فرآیندهای سلطه‌گر بالا به پایین) و رد «شواهد تجربی» طراحی می‌شوند، به‌ویژه

جدول ۱. مشخصه‌های گفتمان‌های مدیریت میراث (مبتنی بر Smith 2006; Lixinski 2015).

Table 1. Characteristics of the heritage management discourses. (Based on Smith 2006; Lixinski 2015).

گفتمان‌های میراث		مشخصه‌ها
هترودکس	ارتدکس	
انتسابی (به‌مثابه یک برساخت اجتماعی)	ذاتی (درونی)	ماهیت ارزش
فرآیندی خلاق (برساخت سیاسی که هویت را شکل می‌دهد)	شیء (محصول تجدیدنپذیر)	ماهیت میراث
مبتنی بر معانی معاصر و ارزش‌های امروزی افراد	مبتنی بر حقایق تاریخی از گذشته‌های قراردادی	منزلت
مبتنی بر تضاد آرا	مبتنی بر اجماع آرا	تعریف ارزش‌ها
مشارکتی (دموکراتیک)	متخصص محور (اقتدارگرا)	ارزیابی ارزش‌ها
معانی اجتماعی-فرهنگی مکان (ارزش‌های جامعه‌ای)	کالبد مکان (ارزش‌های میراثی)	تمرکز
انسان‌محور و فایده‌گرا (ابزاری)	بافت محور و حمایت‌گرا (بنیادی)	رویکرد
توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی جامعه (تداوم عملکردی)	ابقای منزلت فرهنگی مکان (محافظت مادی)	هدف
کارشناسان مدنی	کارشناسان رسمی	کنشگران
برساخت‌گرایی، نظریه انتقادی و پساستعماری	اثبات‌گرایی	هستی‌شناسی
تجربه‌گرایی	عقل‌گرایی	معرفت‌شناسی
قوم‌نگارانه/ شناختی/ مشاهده‌ای - استقرایی	اسناد آرشیوی - قیاسی	روش‌شناسی

۱. روش پژوهش

این پژوهش نقدی تحلیلی از دستورالعمل‌های HUL و HIA است تا به شکاف میان سطح مفهومی و سطح عملیاتی رویکرد HUL بپردازد. فرایند آشکارکردن شکاف میان هدف درونی (ذاتی) و واقعیت بیرونی یک پدیده، بنیان «تفکر انتقادی» (CT) را تشکیل می‌دهد. از این رو، روش‌شناسی مورد کاربرد با تمرکز بر هدف پژوهش، دارای رویکردی کیفی است و به‌منظور پیشبرد فرآیند تحقیق از «تحلیل گفتمان انتقادی» (Critical Discourse Analysis) با راهبردی استقرایی بهره می‌برد. تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) یک رویکرد تحلیلی کیفی برای توصیف، تفسیر و تبیین انتقادی راه‌هایی است که در آن گفتمان‌ها نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی، سوءاستفاده از قدرت یا سلطه را بازتولید می‌کنند، حفظ می‌نمایند و مشروعیت می‌بخشند (Van Dijk 1993, Fairclough 1995, 97). CDA است که گفتمان را به‌عنوان شکلی از «عمل اجتماعی» در نظر می‌گیرد و رابطه آن‌ها را با ساختارهای اجتماعی که توسط آن شکل می‌گیرد، تحلیل می‌کند (Van Dijk 2011). به بیان دیگر، CDA «زبان» را به‌عنوان یک «رویه اجتماعی» از دریچه «گفتمان» در گفتار و نوشتار مورد تحلیل قرار می‌دهد تا روابط ضمنی یا پنهان میان زبان و قدرت را کشف کند (Fairclough 1995; 2001). هدف CDA و سایر رویکردهای انتقادی، انتقال دانشی است که افراد را قادر می‌سازد تا خود را از طریق تأمل و خودآگاهی از «سلطه» رهایی بخشند (Wodak and Meyer 2009, 24). محققان رویکردهای متفاوتی نسبت به CDA در پیش گرفته‌اند، مانند دیالکتیکی رابطه‌ای (Fairclough)، اجتماعی-شناختی (van Dijk)، گفتمانی تاریخی (Wodak)، کنشگران اجتماعی (van Leeuwen)، و تحلیل غیرمستقیم فوکویی (Jäger and Maier). شیوه‌های تحلیلی که در CDA استفاده می‌شوند، عموماً هرمنوتیکی یا تفسیری هستند و معنا تولید می‌کنند. اگرچه روش‌شناسی منسجمی در CDA وجود ندارد، برخی از ویژگی‌ها در اکثر رویکردهای CDA مشترک‌اند: (۱) آن‌ها مسئله‌محورند؛ و (۲) چارچوب نظری و همچنین روش‌شناسی آن‌ها التقاطی و غیرسیستماتیک است (Wodak and Meyer 2009, 33).

این پژوهش با کاربرد «رویکرد اجتماعی - شناختی» (Socio-cognitive Approach) «ون دایک» (۲۰۰۸) در تحلیل گفتمان انتقادی، سعی دارد به درک چگونگی بروز محدودیت‌ها در سطح عملیاتی HUL بپردازد. ون دایک به‌منظور ترکیب نظریه‌های شناختی با نظریه‌های زبانی و اجتماعی، از «شناخت» به‌عنوان لایه میانی از یک رویکرد سه‌لایه‌ای که از درون به بیرون شامل «تحلیل متن»، «شناخت اجتماعی» و «زمینه اجتماعی» می‌شود، استفاده کرده است. در رویکرد اجتماعی - شناختی (SCA) پدیده‌ها در زمینه اجتماعی خود تحلیل و توصیف می‌شوند. هدف SCA این است که: اولاً، شبکه دانش، باورها، تعصبات، و نگرش‌هایی را که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم عملیاتی شده و توسط افراد در هنگام تولید و تفسیر گفتمان ایجاد می‌شوند، ردیابی و ترسیم کند؛ و ثانیاً، توضیح دهد که عملاً چگونه آن دستگاه شناختی ساختارهای گفتمانی و تفسیر آن‌ها را در یک موقعیت ارتباطی خاص تعیین می‌کند. بدین ترتیب، «گفتمان» به‌عنوان شکلی از تعامل اجتماعی در جامعه و در عین حال، به‌عنوان بیان و بازتولید شناخت اجتماعی تعریف می‌شود (Van Dijk 2014, 12).

برای تحلیل کاربردپذیری ابزاری مبتنی بر ارزش‌ها مانند HIA در سطح عملیاتی HUL، اولین قدم تشخیص گفتمان‌های مدیریت میراث در دستورالعمل‌های این دو سند است. در «تحلیل متن» (لایه درونی)، اسناد راهنمای HUL و HIA به دقت مورد بررسی قرار گرفتند تا مفروضات ضمنی مرتبط با مفهوم‌سازی از میراث و مدیریت میراث شناسایی شوند. در این پژوهش برای تحلیل متن از مشخصه‌های گفتمان‌های مدیریت میراث مبتنی بر نظریات «اسمیت» و «لیکسینسکی» به‌عنوان کدهای پیشینی (a priori) استفاده شد (جدول ۱)، و با توجه به نتایج حاصل از آن، لایه میانی (شناخت اجتماعی) و بیرونی (زمینه اجتماعی) گفتمان‌ها در رویکرد «ون دایک» مورد شناسایی قرار گرفت.

۲. پیشینه پژوهش

کلیت فرآیند «مدیریت تغییر» در حوزه «میراث فرهنگی»، دربرگیرنده فرآیند «ارزیابی منزلت فرهنگی» (Cultural Significance Assessment) و فرآیند «ارزیابی اثرات میراثی»

(HIA) است. از این رو، ادبیات مرتبط با این موضوع طی دو دهه اخیر، در مباحث نظری و عملی در راستای این دو فرآیند اصلی شکل گرفته‌اند. به نحوی که مطالعات و اسناد حفاظتی متعددی تبیین «مدل‌های مدیریت تغییر» در فرآیند حفاظت از مکان‌های میراثی را در محوریت رویه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی خود قرار داده‌اند (e.g. Australia ICOMOS 1999; Clark 2001; Fairclough 2003; Pereira Roders and Hudson 2011; Pereira Roders and van Oers 2013). در توصیه‌نامه HUL نیز فرآیند مدیریت تغییر به مجموعه‌ای از مراحل، شامل دو مقوله کلیدی «شناخت منزلت» و «ارزیابی اثرات» اشاره دارد (UNESCO 2011, 24(b)).

سابقه «ارزیابی منزلت» (SA) در مطالعات میراث به کاربرد «مدل‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها» که «اتخاذ سیاست» رابطه مستقیمی با «بیانیه منزلت» دارد، بازمی‌گردد. این مدل‌ها معمولاً با تعدیل ارزش‌های زیباشناختی، تاریخی، علمی، معنوی، و اجتماعی که به واسطه نسل‌های گذشته، حال، و آینده اعمال می‌شوند، ابقای «منزلت فرهنگی مکان» را هدف قرار می‌دهند (e.g. Australia ICOMOS 1999; 2013; Mason 2002). گذر از رویکردی بافت‌محور به انسان‌محور در مدیریت میراث، مفهوم کلیدی در توسعه مدل‌های مبتنی بر ارزش‌ها، مفهوم ذی‌نفعان بوده است. این امر، با درک ارزش به‌مثابه یک برساخت اجتماعی (Zancheti and Jokilehto 1997; Green 1998) ضمن پررنگ کردن نقش ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی در مقوله «شناسایی ارزش‌ها» (e.g. Darvill 1995; Frey 1997; Mason 2002; Feilden 2003; Wells 2010; Nejadbrahimi et al. 2013)، به مطرح شدن رویکردی «بزاری» در فرآیند تصمیم‌گیری منجر شد (de la Torre 2002; Mason 2006; Avrami et al. 2000; 2019). همسو با جریان نوظهور «مطالعات میراث انتقادی» و نقد ضوابط کارشناسانه، راهبردهای روش‌شناسانه‌ای مبتنی بر شیوه‌های قوم‌نگارانه و مشاهده‌ای برای «ارزیابی ارزش‌ها» شکل گرفتند تا ارزش‌گذاری همه ذی‌نفعان را ممکن سازند (e.g. Low 2002; Harrison 2013; Wells 2015a; Wells and Stiefel 2019).

سابقه «ارزیابی اثرات» (IA) برای منابع میراث فرهنگی به اواخر قرن بیستم و در قالب مطالعات «ارزیابی اثرات محیطی» باز

می‌گردد. در ادامه، با تدوین دستورالعمل‌هایی برای «ارزیابی اثرات فرهنگی» (CIA) (Sagnia 2004) و «ارزیابی اثرات میراثی» (HIA) (ICOMOS 2011) فرآیند ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه پیشنهادی بر منابع فرهنگی و میراثی از چهارچوبی تمرکز یافته‌تر برخوردار گشت. اکثر مدل‌های پیشنهادی برای HIA بر پایه مدل‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها توسعه یافته‌اند و با اشاره به مفاهیمی مانند «اصالت» و «یکپارچگی» دارای رویکردی بافت‌محور هستند (e.g. Pereira Roders and van Oers 2012; Rogers 2017; 2018).

در نگاهی به سابقه مدل‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها، مدل پیشگامانه «منشور بورا» (۱۹۹۹) در به‌روز رسانی نسخه ۲۰۱۳ خود علی‌رغم تأکید بر لزوم مشارکت جامعه و ذی‌نفعان در سه مرحله «درک منزلت» (درک مکان، ارزیابی ارزش‌ها، ارائه بیانیه منزلت)، «اتخاذ سیاست» (شناخت مسائل، سیاست‌گذاری، ارائه پلان مدیریت)، و «مدیریت منطبق با سیاست» (مدیریت تغییر و پایش)، در عملیاتی کردن آن همچنان مسیری کارشناسانه را در پیش می‌گیرد (Australia ICOMOS 2013, 2). مدل پیشنهادی «مؤسسه گتی» (Mason 2002, 6) نیز با دربرگرفتن سه مرحله «شناخت و توصیف»، «ارزیابی و تحلیل» و «سیاست‌گذاری و پایش» با وجود اشاره به دیدگاهی انسان‌شناسانه برای درک طیف وسیعی از ارزش‌ها و شیوه‌های ارزیابی، در ارزیابی یکپارچه جهت اتخاذ سیاست، «هم‌خوان کردن ارزش‌ها با منابع فیزیکی و مشخصه‌های سایت» را پیشنهاد می‌دهد. این امر، در فرآیند تصمیم‌گیری به تقلیل نقش میراث ناملموس و در مدیریت تغییر به اولویت یافتن کنترل ویژگی‌های کالبدی منابع منجر می‌شود.

نژادابراهیمی و همکاران (2013, 90) بر مبنای دیدگاهی جامعه‌محور و تعریفی پویا از ماهیت ارزش در مدلی به رابطه بین میزان حساسیت ارزش‌های استحصالی از منابع میراثی (بیانیه منزلت) و انتخاب رویکرد مداخله (اتخاذ سیاست) پرداخته‌اند. در مدل پیشنهادی عباس‌زاده و همکاران (2018, 137) نیز سعی شده است تا با تأکید بر سه معیار نیازها، فرهنگ عمومی جامعه، و امکانات به اولویت‌بندی کارشناسانه ارزش‌ها برای اتخاذ شیوه‌های حفاظتی پرداخته شود. دو مدل اخیر، از آنجاکه وارد

انطباق با تغییرات محیط نیاز دارد. منظر، به‌عنوان امری مبتنی بر فرآیند، «تغییر» ویژگی اصلی آن محسوب شده و نقشی اساسی در شکل‌دادن به شخصیت حال حاضر آن دارد. این امر منظر را به شیوه‌ای کاملاً فراگیر و جامع برای پرداختن به میراث تبدیل می‌کند، در جایی که میراث دیگر به خود سایت ختم نمی‌شود بلکه در بستری اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و فرهنگی جای می‌گیرد. از این رو، علاوه بر سایت یا حتی به جای خود سایت، بر «فرآیند» تأکید می‌شود (Bond et al., 2004: 45).

در سند HUL، «منظر شهری تاریخی» و «میراث شهری» حاصل «لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی» تعریف شده‌اند. میراث شهری به‌عنوان «منبعی» کلیدی برای ارتقای زیست‌پذیری مناطق شهری، تقویت توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی قلمداد شده است؛ و از «تنوع و خلاقیت فرهنگی» به‌عنوان «سرمایه» کلیدی برای توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی یاد می‌شود (UNESCO 2011, Preamble, Arts. 3, 8, 12). این امر بیانگر آن است که رویکرد HUL از دیدی تقلیل‌گرا و ایستا نسبت به میراث فاصله گرفته و آن را به‌عنوان فرآیندی خلاق در زمینه شهری و بستر جغرافیایی گسترده‌تری می‌نگرد. لایه‌های جدید (ملموس و ناملموس) افزوده خواهند شد، و با این دیدگاه، «حفاظت» با بالابردن کیفیت زندگی به‌عنوان راهبردی برای توسعه عمل کرده و بخشی از یک فرآیند کلان‌تر، متداوم، و تکاملی قلمداد می‌شود. در رویکرد HUL، موضوع، مانع از تغییر در محیط تاریخی نیست بلکه در چارچوب پایداری، کنترل تغییر و انتخاب مسیرهایی است که منابع میراثی را به شکلی مؤثر تبدیل به «سرمایه» کند (Fairclough 2003, 23-24; Smith 2015, 228; Jafarpour et al. 2020, 189). آن با قراردادن مفهوم میراث شهری در محوریت سیاست‌های حفاظتی، به رویکردی انعطاف‌پذیر، باز و مردم‌محور نسبت به مدیریت میراث اشاره دارد (Bandarin 2015, 14; Rodwell 2018, 186). بدین ترتیب، رویکرد HUL در سطح مفهومی با درکی فرآیندمحور از ماهیت میراث و درپیش‌گرفتن رویکردی ابزاری و انسان‌محور نسبت به مدیریت منابع میراثی، به مشخصه‌های گفتمان میراث هترودکس نزدیک می‌شود (جدول ۲).

مرحله «اجرا و پایش» نمی‌شوند به فرآیند مدیریت تغییر اشاره‌ای ندارند.

در مطالعات میراث شهری، دستورالعمل‌ها و رویه‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها (مانند HUL) به دلیل تمرکز بر مفاهیمی مانند «منزلت فرهنگی» و «ارزش برجسته جهانی» از سوی محققان متعددی در ابعاد معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه مورد نقد قرار گرفته‌اند (e.g. Poullos 2010; Walter 2014; Eshtrati and Fadaeinejad 2018; Ginzarly 2019). آن‌ها با بیان اینکه زمینه‌های فلسفی این رویکرد در یک گفتمان حفاظت غربی قرن نوزدهمی ریشه دارد، و به موجب آن تضمین‌کننده تمرکزی مداوم بر «اصالت مادی بافت» و «تسلط کارشناسان حرفه‌ای» است؛ استدلال می‌کنند که درک ماهیت میراث به‌منزله یک محصول به جای یک فرآیند، نگاهی منقطع بین «گذشته» و «حال-آینده» به جای فرآیندی مستمر از خلق ارزش، و بازنمایی اصالت تنها در بافت ملموس به جای تداعی معانی ناملموس، حسی از بافت به‌عنوان منبع تجدیدنپذیر ایجاد می‌کند. از این رو، رویکردهای جایگزینی مانند «میراث زنده»، «روایت»، «فرهنگ مردمان بومی» و «زمینه محلی» را مطرح نموده‌اند. برخی محققان نیز به ضعف رویکرد مبتنی بر ارزش‌ها در ارزیابی اثرات میراث شهری طی فرآیند مدیریت تغییر پرداخته‌اند (e.g. Pereira Roders et al. 2013; Rodwell and Turner 2018; Patiwaal et al. 2019). تمرکز بر رویکردی ایستا از مدیریت میراث، نبود ابزارهای عملی برای ادغام در برنامه‌های توسعه فراگیر شهری، و تعارضات میان ذی‌نفعان در درک ماهیت میراث از جمله کاستی‌های آن ذکر شده‌اند.

۳. گفتمان‌های میراث در سطح مفهومی رویکرد HUL

برای تعیین موضع هدف درونی (سطح مفهومی) رویکرد HUL از نظر گفتمان‌های میراث، متن سند مورد تحلیل قرار گرفت. «توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو» (HUL) با اتخاذ منطقی «کل‌نگر» (فضایی - معنایی)، «یکپارچه» (بین‌رشته‌ای)، و «مبتنی بر ارزش» (مشارکتی) از «رویکرد منظر» بهره می‌برد (UNESCO 2011, Art.5). «منظر» مجموعه‌ای پویا و زنده از سیستم‌های پیچیده‌ای است که به‌منزله یک ارگانیزم یا اکوسیستم زنده، مانند هر موجود زنده‌ای برای حفظ بقای خود به تحول و

جدول ۲. تحلیلی انتقادی از شکاف گفتمانی میان سطح مفهومی و سطح عملیاتی رویکرد HUL

Table 2. A critical analysis of the discursive gap between the conceptual level and the operational level of the HUL approach

گفتمان میراث	مشخصه	مفاد توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی (UNESCO 2011)	سطح مفهومی
هترودکس	ماهیت میراث: فرآیند ماهیت ارزش: انتسابی روش‌شناسی: استقرایی رویکرد: ابزاری هدف: تداوم عملکردی رویکرد: ابزاری هدف: تداوم عملکردی تمرکز: معانی مکان هدف: تداوم عملکردی هدف: تداوم عملکردی ماهیت میراث: فرآیند رویکرد: ابزاری	<p>– میراث شهری به‌منزله سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (Preamble)</p> <p>– تعریف میراث شهری توسط لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها (Preamble)</p> <p>– کاربرد رویکرد منظر (Preamble, Art.5)</p> <p>– میراث شهری منبعی کلیدی برای زیست‌پذیری مناطق شهری، توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی (Art.3)</p> <p>– حفاظت راهبردی برای تعادل بین رشد شهری و کیفیت زندگی (Art.3)</p> <p>– ادغام راهبردهای حفاظت میراث شهری در اهداف توسعه پایدار (Art.5)</p> <p>– استفاده پربار و پایدار از فضاهای شهری، ضمن به‌رسمیت‌شناختن سرشت پویای آن‌ها، و ارتقای تنوع اجتماعی و عملکردی (Art.11)</p> <p>– تعادل بین میراث گذشتگان و نیازهای نسل‌های حاضر و آینده (Art.11)</p> <p>– تنوع و خلاقیت فرهنگی به‌منزله سرمایه‌ای برای توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی (Art.12)</p>	سطح مفهومی
هترودکس (ابزارهای نظارتی، مشارکت مدنی، و مالی)	کنشگران: جامعه مدنی روش‌شناسی: استقرایی کنشگران: جامعه مدنی ارزیابی ارزش: مشارکتی رویکرد: پایین به بالا کنشگران: جامعه مدنی تمرکز: ارزش‌های جامعه‌ای کنشگران: جامعه مدنی رویکرد: ابزاری	<p>– رویکرد HUL به کاربرد مجموعه‌ای از ابزارهای سنتی و نوآورانه منطبق با «زمینه‌های محلی» اشاره دارد (Art.24).</p> <p>– بخش‌های متنوع ذی‌نفعان قادر به تعریف ارزش‌ها، توسعه دیدگاه‌ها، تعیین اهداف، و توافق بر اقدامات صیانت از میراث باشند (Art.24a).</p> <p>– سیستم‌های نظارتی باید شرایط محلی را منعکس کنند، ممکن است شامل اقدامات قانونی و نظارتی با هدف حفاظت و مدیریت ویژگی‌های ملموس و ناملموس میراث شهری، شامل ارزش‌های اجتماعی، محیطی و فرهنگی آن‌ها باشند (Art.24c).</p> <p>– ایجاد مشارکت‌ها و چهارچوب‌های مدیریت محلی (p.50)</p> <p>– حمایت از کسب‌وکارهای محلی و انواع مدل‌های مشارکتی (Art.24d)</p>	رویکرد منظر شهری تاریخی (HUL) سطح عملیاتی
ارتدکس (ابزارهای برنامه ریزی)	رویکرد: بنیادی هدف: محافظت مادی تعریف ارزش: اجماع‌آرا ارزیابی ارزش: متخصصانه رویکرد: بنیادی هدف: محافظت مادی	<p>– محافظت از اصالت و یکپارچگی ویژگی‌های میراث شهری، شناخت تنوع و منزلت فرهنگی (Art.24b)</p> <p>– دستیابی به اجماع نظر میان ذی‌نفعان در تعیین ارزش‌ها و ویژگی‌های حاوی ارزش‌ها (p.50)</p> <p>– پایش و مدیریت تغییر؛ ارزیابی اثرات میراثی، ارزیابی آسیب‌پذیری ویژگی‌های حاوی ارزش‌ها (Art.24b, p.50)</p>	سطح عملیاتی

ارزش‌ها (روش‌شناسی)؛ و (۳) یکپارچه‌سازی و رتبه‌بندی ارزش‌های مختلف و گاه متناقض، به‌نحوی که بتواند به‌وضوح منافع ذی‌نفعان مختلف و اغلب متضاد را در قالب «بیانیه منزلت» بیان کند.

– چالش نخست: گونه‌شناسی ارزش‌ها

تعدد ارزش‌ها در میراث ایده‌جدیدی نیست. آن در منشور ونیز (۱۹۶۴م.) و حتی منشور آتن (۱۹۳۱م.) به رسمیت شناخته شده، و نخستین بار توسط «آلوین ریگل» (۱۹۰۳م.) در اوایل قرن بیستم تبیین گردید؛ و در ادامه با انگیزه مدرنیته به تفکیک، دسته‌بندی، طبقه‌بندی، و مسئله حل انواع پدیده‌های پیچیده تقویت شد. طی جنبش‌های سیاسی دهه ۱۹۶۰م. با زیر سؤال رفتن مصدرهای اقتدار، دیدگاه متعارف در حوزه حفاظت که ارزش‌های هنری و تاریخی را بر مبنای قضاوت کارشناسان میراثی نسبت به سایر ارزش‌ها در اولویت قرار می‌داد، به سمت دیدگاهی انسان‌شناسانه سوق یافت. این امر در اواخر قرن بیستم، به پررنگ‌تر شدن ارزش‌های اجتماعی (حس مکان)، اقتصادی (منطق بازار و سود) و زیست‌محیطی (بقای منابع) در شیوه حفاظت منجر شد. در دو دهه اخیر با تأکید بر شناسایی میراث از طریق فرآیندی جامعه‌محور، فرآیندهای مشارکتی نسبت به قضاوت کارشناسان رسمی (Conventional Experts) از اهمیت بیشتری برخوردار شدند (Wells 2015a, 250).

تحلیل نگرش‌های در حال تحول و مسائل ناشی از درک‌های متفاوت نسبت به ماهیت ارزش‌ها نشانگر دو رویکرد متمایز و مکمل در مدیریت منابع میراثی است: «بنیادی» (Essential) و «ابزاری» (Instrumental). رویکرد بنیادی بر «ارزش‌های میراثی» (Heritage Values) (مرتبط با سنت‌های موزه‌دارانه و مادی‌گرایانه شیوه حفاظت)، و رویکرد ابزاری بر «ارزش‌های جامعه‌ای» (Societal Values) (مرتبط با مصارف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و زیست‌محیطی میراث) تمرکز دارد. اگرچه این دو رویکرد مکمل یکدیگرند، در نحوه «تبیین نتایج» و «مفهوم‌سازی» تفاوت دارند: رویکرد بنیادی تمایل دارد که حفاظت مادی و مراقبت محتاطانه مکان‌های میراثی را با منافع و نتایج اجتماعی ضمنی، به‌خودی‌خود به‌عنوان یک هدف

۴. گفت‌وگوهای میراث در سطح عملیاتی رویکرد HUL

برای تعیین موضع واقعیت بیرونی رویکرد HUL از نظر گفت‌وگوهای میراث، به مفاد چهار ابزار پیشنهادی آن (مشارکت مدنی، برنامه‌ریزی، نظارتی، و مالی) و برنامه اقدام مندرج در سند شامل بر شش گام اصلی رجوع شد. این شش گام عبارت‌اند از: «نگاشت منابع میراثی»، «اجماع نظر در شناسایی ارزش‌ها و ویژگی‌های حامل آن‌ها»، «ارزیابی اثرات میراثی»، «ادغام ارزش‌ها در برنامه‌های توسعه شهری»، «اولویت‌بندی اقدامات»، و «ایجاد چهارچوب‌های مدیریت محلی» (UNESCO 2011, p.50, Art.24; Bandarin and van Oers) (Erkan 2019; 2015; 2012). گزارش‌های مرتبط با روند اجرایی رویکرد HUL در مدیریت میراث شهری نشانگر آن است که ابزارهای پیشنهادی این سند در زمینه‌ای مشارکتی، مالی، و نظارتی در ابتدای راه خود از نظر عملیاتی شدن هستند، و عملاً واقعیت بیرونی رویکرد HUL به پیاده‌سازی ابزارهای مرتبط با زمینه برنامه‌ریزی معطوف می‌باشد (Pereira Roders and Bandarin 2019). بدین ترتیب، رویکرد HUL در سطح عملیاتی خود ضمن تأکید بر مشارکت ذی‌نفعان، به فرآیند مدیریت تغییر در قالب «رویکردی مبتنی بر ارزش‌ها» می‌پردازد. در این مدل، مدیریت تغییر با دربرگرفتن دو فرآیند «ارزیابی منزلت فرهنگی» و «ارزیابی اثرات میراثی» (HIA)، به تطبیق دادن بسیاری از اهداف کوتاه‌مدت توسعه تسهیلات با منافع نسل‌های آینده برای حفظ «منزلت فرهنگی مکان» اشاره دارد (Pereira Roders and Hudson 2011, 175).

۴-۱. فرآیند ارزیابی منزلت فرهنگی

ارزیابی منزلت فرهنگی / ارزش‌ها از نظر «روش‌شناسی» با مسائل پیچیده‌ای همراه است که عمدتاً از تغییرپذیری ارزش‌ها، ذهنی و مشروط‌بودن آن‌ها، ماهیت متنوع و تعدد آن‌ها، هم‌پوشانی و مغایرت آن‌ها، و گستردگی طیف ابزارها و روش‌های مورد کاربرد برای ارزیابی نشأت می‌گیرد. ماسین (۲۰۰۲، ۵) در فرآیند مدیریت میراث به چالشی سه‌گانه در ارزیابی منزلت فرهنگی اشاره دارد: (۱) شناسایی تمامی ارزش‌های مکان میراثی (گونه‌شناسی)؛ (۲) استنباط و تفسیر

تلقی نماید؛ حال آنکه، رویکرد ابزاری، میراث و حفاظت از آن را وسیله‌ای برای انواع اهداف اجتماعی (نفع اقتصادی، عدالت اجتماعی، و...) می‌داند. رویکرد بنیادی بر اهمیت مطلق ارزش‌های تاریخی، هنری، زیبایی‌شناسانه، و علمی مرتبط با مکان‌های میراثی که توسط کارشناسان و محققین تفسیر می‌شوند متمرکز است؛ درحالی‌که رویکرد ابزاری، بیشتر بر تعامل پویا و پیچیده ارزش‌های میراثی و جامعه‌ای که توسط طیف وسیعی از کنشگران، گروه‌های ذی‌نفع، و نهادهایی فراتر از حفاظت میراث فعال می‌گردند، تأکید دارد (Fredheim and Khalaf 2016, 471; Abbaszadeh et al. 2018, 130; Avrami and Mason 2019, 11-17).

چالش دوم: روش‌شناسی تفسیر ارزش‌ها

با توجه به «ماهیت متنوع» ارزش‌های متناسب به منابع میراثی، کسب دانش از ارزش‌ها به اتخاذ دیدگاه‌هایی (معرفت‌شناسی‌ها) کاملاً متفاوت و در پی آن روش‌شناسی‌هایی مختلف منجر شده است. چراکه هیچ روش ارزیابی واحدی، دانشی تمام‌عیار، کامل، و یا حتی کافی جهت اظهار تصمیمات حفاظتی به‌دست نمی‌دهد. راهبردهای روش‌شناسانه ارزیابی ارزش‌های منابع میراثی، با توجه به رویکردهای بنیادی و ابزاری، زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، هماهنگ کردن روش‌ها با ارزش‌ها، و حضور ذی‌نفعان به دو شیوه «کارشناسانه» (اقتدارگرا) و «مشارکتی» (دموکراتیک) اشاره دارد.

ارزیابی‌های «کارشناسانه» بر اساس تعدادی از دیدگاه‌های انضباطی مبتنی بر معیارهای «تاریخ هنر»، منبعی مهم در ارزیابی ارزش‌ها تلقی می‌شوند. آثار ریگل، راسکین و دیگر مورخان و منتقدان هنری قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پایه‌گذار چنین روش‌های ارزش‌گذاری در میراث بوده (Mason 2002, 19) و در دکتین حفاظت، به یک مفهوم‌سازی غربی از میراث و شیوه‌ها و سیاست‌های ناشی از آن ذهنیت منجر شده‌اند (Smith 2006, 30; Fredheim and Khalaf 2016, 476). بنابه استدلال «اسمیت»، این گفتمان غالب غربی محیطی را ایجاد کرده است که استعمار و ستم اجتماعی را به‌واسطه «گفتمان‌های هژمونیک» و «لزوم اجرای ضوابط کارشناسانه»

ترویج می‌دهد (Smith 2006, 11). اگرچه ارزیابی‌های کارشناسانه در حال ترکیب و ادغام با انواع دیگر ارزیابی‌ها (مشارکتی) هستند، بااین‌حال، روش‌ها و ابزارهای متداول مورد کاربرد در درک «ارزش‌های میراثی» عموماً به مستندسازی و تحلیل تاریخ هنر/معماری، پیکربندی، و شرایط کالبدی میراث اختصاص دارند.

با قرارگرفتن «ارزش اجتماعی» (سرمایه اجتماعی، تعلق به مکان/تداویعات) در بیانیه منزلت فرهنگی منشور بورا (۱۹۷۹م)، روش‌های جدیدی ایجاد شدند تا اطمینان حاصل شود ابعاد ناملموس در کنار ارزش‌هایی که معمولاً در بافت مکان‌های میراثی به‌کار می‌روند، وزن داده می‌شوند. «لو» و «مکه‌ارگ» از جمله محققانی هستند که با ارائه روش‌های انسان‌شناسانه و قوم‌نگارانه کوشیده‌اند تا گروه‌های جدیدی از ذی‌نفعان را وارد فرآیند ارزیابی ارزش‌ها نموده و به شیوه‌ای «مشارکتی» دست یابند (Low 1981; McHarg 1992). روش‌شناسی‌های کیفی در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی با انسان‌گرا و کل‌نگر بودن شناخته می‌شوند؛ و در پژوهش، رویکردهای شناختی، مشاهده‌ای، پدیدارشناسانه، تاریخی، قوم‌نگارانه، و گفتمان را دربرمی‌گیرند. رویه‌های فعلی گویای آن است که تبیین مجموعه ابزاری حرفه‌ای برای اتخاذ تصمیمات میراثی که به «ارزش‌های جامعه‌ای» گسترده‌تری اشاره نماید و مشارکت ذی‌نفعان را در نگاشت و بیان ارزش‌ها، ادغام ارزش‌ها در ارزیابی‌ها و روند سیاست‌گذاری در فرآیندی پایین به بالا فراهم آورد، تا حدی مغفول مانده است (Avrami and Mason 2019, 28). از این‌رو، با وجود آنکه در رویکرد مبتنی بر ارزش، مفهوم ذی‌نفعان کلیدی است، مسئولیت فرآیند مدیریت میراث در اختیار یک مرجع مدیریتی مقتدر است. این مرجع است که در رویکردی از بالا به پایین گروه‌های ذی‌نفع را شناسایی می‌کند، ارزش‌های آن‌ها را ثبت می‌کند، می‌سنجد و اولویت‌بندی می‌کند، تصمیم می‌گیرد از چه ذی‌نفعان و ارزش‌هایی محافظت کند و چگونه ذی‌نفعان را در مرحله اجرا مشارکت دهد.

چالش سوم: بیانیه منزلت فرهنگی

«بیانیه منزلت» به‌عنوان خروجی فرآیند «ارزیابی منزلت»، در

۴-۲. فرآیند ارزیابی اثرات میراثی (HIA)

منابع میراثی همواره زیر فشار اثرات نامطلوب توسعه اقتصادی-اجتماعی قرار دارند، این امر به ازدست دادن و برهم زدن تعادل ارزش‌ها، اصالت و یکپارچگی آن‌ها منجر شده است. مرحله دوم از مدیریت تغییر یعنی فرآیند «ارزیابی اثرات میراثی» (HIA)، ارزش‌ها و اصالت را با چشم‌اندازهای توسعه، عملیات مهندسی، و آورده ذی‌نفعان ادغام می‌کند تا با تصویری بزرگ‌تر درگیر شود و ابزار تصمیم‌گیری ارزشمندی را ارائه نماید. در نتیجه، HIA فرآیندی نظام‌مند برای شناسایی نتایج احتمالی یک سیاست یا اقدام پیشنهادی در ارتباط با میراث فرهنگی یک مکان و جوامع آن است. آن یک ابزار پشتیبان تصمیم‌گیری است که در برنامه‌ریزی، اقدام و مراحل اجرایی آورده‌هایی فراهم می‌کند تا از طریق «کاهش اثرات» (Mitigation)، تأثیرات منفی را به حداقل برساند یا حذف کند و اثرات مثبت را تقویت نماید (Rogers 2018, 1).

«ارزیابی اثرات» (IA) طی دهه ۱۹۶۰م. در پاسخ به علاقه رو به رشد عموم مردم جهت حفظ محیط زیست از پیامدهای توسعه، با استفاده از مدل‌ها و رویکردهای علوم طبیعی، به ویژه بوم‌شناسی، با عنوان «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی» (EIA) تکامل یافت. اگرچه از سال ۱۹۹۹م. در بررسی یک پیشنهاد توسعه‌ای، «میراث فرهنگی» به‌عنوان عاملی در میان سایر عوامل اقتصادی-اجتماعی و زیستی فیزیکی در سیستم EIA متناسب با اهمیت درک شده، وزندهی و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ باین حال، کفایت پوشش میراث در EIA از سوی کارشناسان و دانشگاهیان به‌شدت مورد انتقاد بوده است. انتقادات آن‌ها اکثراً بر چهار نکته متمرکز می‌گردد: (۱) تحلیل‌های اثرات صورت‌گرفته اغلب شامل میراث نمی‌شوند، حتی در جاهایی که کاملاً مشهود بود که باید به حساب می‌آمد؛ (۲) ارزیابی اثرات در فرآیند برنامه‌ریزی برای انجام هرگونه اقدام معنی‌داری جهت رفع اثرات بسیار دیر روی می‌دهد؛ (۳) کارشناسان ارزیابی اثرات به‌اندازه کافی با بینش‌های مدیریت میراث آشنا نبودند؛ و (۴) روش‌های مورد استفاده برای تعیین اثرات ناشی از توسعه بر میراث فرهنگی ناکافی بودند (Patiwael et al. 2019, 334).

مرحله «درک و شناخت» منابع میراثی به‌دست می‌آید و به‌عنوان معیاری برای جهت‌دهی تصمیمات در مرحله «اتخاذ سیاست» و «اجرا و پایش» به‌کار می‌رود. آن مستقیماً از «ارزیابی ارزش‌ها» استخراج می‌شود؛ به این معنا که فرآیند ارزیابی ارزش‌ها باید بیانی روشن و قطعی از «منزلت»-بیانیه‌ای ترکیبی از ارزش مکان و دلیل اینکه چرا آن باید محافظت شود- تولید نماید. نقش «بیانیه منزلت» ترکیب دلایل کلیه اقداماتی است که می‌توان برای مکانی پیشنهاد نمود، و همچنین ارائه مواضعی روشن که بتواند اساس تصمیمات و ارزیابی‌های بعدی را شکل دهد. مدیریت میراث مبتنی بر تولید بیانیه منزلت، شیوه‌ای استاندارد در سطوح ملی و بین‌المللی و مؤسسات پژوهشی است. یک تیم حرفه‌ای با نگاهی به تمامی ارزش‌ها و ارزیابی‌های مختلف، ابعاد بیانیه را از دل آن‌ها انتخاب، و منزلت را به صورتی که برای همه ذی‌نفعان قابل درک باشد، بیان می‌نماید. بیانیه‌های پیشنهادی، بر ماهیت جمعی و شاید حتی متناقض منزلت یک سایت تأکید دارند. بیانیه‌ها لزوماً به یک یا دو نکته که نشانگر اجماعی واحد است، ختم نمی‌شوند. در حقیقت، انتظار می‌رود برای یک مکان بیانیه‌های منزلت مناقشه‌انگیزی اظهار شوند تا موضوعات اصلی منزلت که از دیدگاه‌های گروه‌های مختلف ذی‌نفع حاصل شده‌اند، به تمام ابعاد انتفاع و محرومیت ذی‌نفعان پردازند (Australia ICOMOS 2013, 5; English Heritage 2008, 40; Mason 2002, 23-24).

باین حال، در مدل‌های مبتنی بر ارزش‌ها، با گنجاندن همه ارزش‌ها در عبارتی کلی با عنوان «منزلت»، انواع مختلفی از ارزش‌ها رمزآمیز شده یا به‌صورت ثانویه ارائه می‌شوند (مانند ارزش‌های اقتصادی). این امر، عموماً، در فرآیند تولید بیانیه منزلت از طریق قضاوت کارشناسان به در اولویت قرارگرفتن ارزش‌هایی که به ویژگی‌های کالبدی اثر متناسب می‌باشند، منجر می‌شود. در این روند اقتدارگرا، بیانیه منزلت بیش از آنکه بازتاب‌دهنده تضاد آرای ذی‌نفعان باشد، به سوی اجماع آرای خبرگان هدایت می‌شود.

از این رو، به منظور پرداختن به ویژگی‌های خاص میراث فرهنگی و ارزش‌های آن و از طرفی برطرف کردن نقاط ضعف موجود در رویکردهای جاری EIA، حوزه میراث متوجه شد که میراث، به‌ویژه «میراث جهانی»، باید در روش‌شناسی خاصی از «ارزیابی اثرات» جای گیرد. ارائه چارچوبی برای «ارزیابی اثرات فرهنگی» (CIA) توسط «شبکه بین‌المللی تنوع فرهنگی» (International Network for Cultural Diversity) در سال ۲۰۰۴م، یکی از اولین دستورالعمل‌هایی است که به طور خاص بر ارزیابی اثرات وارده بر میراث فرهنگی تمرکز می‌نماید. در این چارچوب، فرآیند «ارزیابی اثرات فرهنگی» (CIA) عبارت است از: «فرآیند شناسایی، پیش‌بینی، ارزیابی و اعلام اثرات احتمالی یک سیاست یا اقدام توسعه‌ای جاری یا پیشنهادی بر زندگی فرهنگی، نهادها و منابع جوامع، سپس یکپارچه‌کردن یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، با دیدی به کاهش اثرات منفی و افزایش نتایج مثبت» (Sagnia, 2004, 5).

با نگاهی به چارچوب CIA مشخص می‌شود که این فرآیند در مراحل مربوط به شناخت «گروه‌های متأثر» (ذی‌نفعان)، شناخت «متغیرهای فرهنگی» (شامل: ۱. زندگی فرهنگی؛ ۲. نهادها و سازمان‌های فرهنگی؛ ۳. زیرساخت‌ها و منابع فرهنگی)، و ارزیابی «اثرات مستقیم و غیرمستقیم فرهنگی» (اثرات فرهنگی حاد از طریق گفت‌وگو و مصاحبه با گروه‌های متأثر بالقوه مورد شناسایی قرار می‌گیرند)، عمدتاً بر منابع «میراث فرهنگی ناملموس» (ICH) تأکید دارد و از روش‌شناسی‌های کیفی مورد کاربرد در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی بهره می‌برد (ibid: 20-25). این رویه، موجب شد تا کاربرد CIA در شیوه‌های متداول مدیریت منابع میراثی و دارایی‌های میراث جهانی از اقبال چندانی برخوردار نشود.

ایکوموس در ژانویه ۲۰۱۱م. با انتشار «راهنمای ارزیابی اثرات میراثی برای دارایی‌های فرهنگی میراث جهانی»، به این نکته اشاره دارد که EIA در ارزیابی اثرات دارایی‌های فرهنگی میراث جهانی به‌طور شفاف و مستقیم با «ویژگی‌های ارزش برجسته جهانی» (The Attributes of OUV) گره نخورده و

عموماً نتایج نامیدکننده‌ای تولید می‌کند. همچنین اثرات تجمعی و تغییرات افزایشی (نامطلوب) نیز ممکن است با سهولت بیشتری نیافتاده رد شوند. از این رو، جهت حصول اطمینان از حفظ OUV سایت‌های میراث جهانی، به‌ویژه در برابر اثرات منفی توسعه‌های برنامه‌ریزی‌شده، دستورالعمل‌هایی برای «ارزیابی اثرات میراثی» (HIA) توسط ایکوموس تدوین شدند: «OUV دارایی‌های میراث جهانی در طیف وسیعی از ویژگی‌ها بازتاب یافته است، و برای ابقای OUV، آن ویژگی‌ها باید حراست شوند. از این رو، فرآیند HIA باید اثرات هر پروژه پیشنهادی و یا تغییری را بر این ویژگی‌ها، چه به صورت جداگانه و چه به صورت جمعی مورد بررسی قرار دهد» (ICOMOS 2011, 1-a).

چارچوب پیشنهادی ایکوموس برای HIA، مدل سه‌مرحله‌ای مبتنی بر ارزشی است که با هدف صیانت از منابع میراثی، مراحل «ارزیابی منزلت»، «ارزیابی اثرات احتمالی»، و «کاهش اثرات» را شامل می‌شود (جدول ۳). با نگاهی به دستورالعمل‌های HIA مشخص می‌شود که این فرآیند در اقدامات مربوط به شناخت ویژگی‌های حامل OUV، ارزیابی ارزش‌ها، و درک و ارزیابی اثرات مستقیم و غیرمستقیم، با تمرکز بر درکی ایستا از OUV دارای رویکردی کالبدمحور (بنیادی) بوده، و در ارزیابی ارزش‌ها و اثرات از قضاوتی کارشناسانه (اقتدارگرا) بهره می‌برد. در بررسی اهمیت اثرات نیز میزان خسرتان و تغییرات کالبدی وارده بر ویژگی‌های حاوی OUV به‌عنوان معیاری برای قضاوت مدنظر است که تصمیم‌گیری برای کاهش اثرات را بر مبنای دو مفهوم اصالت و یکپارچگی به‌سمت حفظ OUV سوق می‌دهد. از این رو، هدف ذکرشده برای HIA در راهنمای ایکوموس (به‌عنوان حراست از OUV) پتانسیل HIA را در تضمین تداوم ارزش‌های جامعه‌ای مکان و کنترل تغییر در جهت فرآیند مستمر خلق ارزش محدود می‌کند و سایر اهداف بالقوه مانند ارتقای مدیریت میراث شهری و یا یافتن تعادلی میان حفاظت و توسعه را نادیده می‌گیرد. این امر، بیانگر رویکردی ارتدکس در دستورالعمل‌های پیشنهادی ایکوموس برای HIA است.

جدول ۳. چارچوب پیشنهادی ایکوموس برای فرآیند ارزیابی اثرات میراثی (ICOMOS 2011: Arts. 2-7).

Table 3. ICOMOS Suggested framework for Heritage Impact Assessment Process (ICOMOS 2011: Arts. 2-7).

شرح دستورالعمل‌ها (ICOMOS 2011)	اقدامات	مراحل
برای دارایی‌های میراث جهانی (WH) اصلی‌ترین مستندات عبارت‌اند از بیانیه OUV و شناسایی ویژگی‌هایی (Attributes) که OUV را منتقل می‌کنند (ICOMOS 2011, 6).	شناخت ویژگی‌های حامل OUV	ارزیابی منزلت (SA)
ارزش دارایی‌های میراثی در چهار دسته «باستان‌شناسی»، «میراث ساخته شده یا منظر شهری تاریخی»، «منظر تاریخی»، و «میراث فرهنگی ناملموس» بر مبنای قضاوت کارشناسان در درجه‌بندی شش مقیاسی از «بسیار بالا» (دارایی‌های میراث جهانی)، «بالا»، «متوسط»، «پایین»، «ناچیز»، «ناشناخته» (سایر سرمایه‌های فرهنگی) ارزیابی می‌شوند (ibid: Appendix 3A).	ارزیابی ارزش دارایی‌های میراثی	
اثرات مستقیم به‌عنوان پیامد اولیه توسعه یا تغییر پیشنهادی، در نتیجه خسران کالبدی که معمولاً دائمی و برگشت‌ناپذیر است به‌وجود می‌آیند. اثرات غیرمستقیم به‌عنوان پیامد ثانویه ناشی از ساخت یا بهره‌برداری از توسعه روی می‌دهند و می‌توانند به خسران کالبدی و یا تغییراتی در بستر یک دارایی، فراتر از موضع توسعه منجر شوند (ibid: Arts. 5-3, 5-6).	شناسایی اثرات: مفید/ مضر، مستقیم/ غیرمستقیم	
مقیاس یا بزرگی اثرات به نسبت ویژگی تحت تأثیر قرار گرفته، و اینکه آیا مشخصه‌های اصلی آن و یا رابطه آن با OUV تحت تأثیر قرار گرفته است بستگی دارد. مقیاس یا شدت اثرات با در نظر گرفتن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها و اینکه آیا آن‌ها دائمی یا موقت، بازگشت‌پذیر یا بازگشت‌ناپذیرند، مورد قضاوت قرار می‌گیرند. شدت اثرات بدون توجه به ارزش دارایی، در درجه‌بندی پنج مقیاسی از «بدون تغییر»، «تغییر ناچیز»، «تغییر جزئی»، «تغییر متوسط»، و «تغییر عمده» ارزیابی می‌شوند (ibid: Appendix 3B).	ارزیابی بزرگی اثرات	ارزیابی اثرات (IA)
اهمیت اثرات ناشی از تغییر بر یک ویژگی، تابعی است از اهمیت ویژگی و مقیاس تغییر. بدین ترتیب، ماتریس HIA توسط دو متغیر «ارزش دارایی» و «شدت اثرات» شکل می‌گیرد. با توجه به مفید یا مضر بودن اثرات، میزان «اهمیت اثرات» در یک مقیاس نه امتیازی که نقطه مرکزی آن «خشی» است و از مفید تا مضر به صورت «عمده»، «متوسط»، «جزئی»، و «ناچیز» درجه‌بندی شده، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (ibid: Art. 5-8).	ماتریس ارزیابی اثرات میراثی	
HIA باید شامل اصول پیشنهادی و در صورت امکان روش‌های پیشنهادی برای کاهش یا جبران اثرات یک پیشنهاد توسعه و یا سایر عوامل تغییر باشد. این امر باید شامل بررسی سایر گزینه‌ها برای توسعه از جمله مکان‌یابی، زمان‌بندی، بازه زمانی و طراحی باشد. HIA باید به‌طور کامل نشان دهد که چگونه کاهش اثرات در زمینه حفظ OUV. با دربر گرفتن اصالت و یکپارچگی دارایی WH قابل قبول است (ibid: Art. 7).	جلوگیری، تقلیل، توان‌بخشی و یا جبران خسارت	کاهش اثرات (Mitigation)

نتیجه‌گیری

به‌حاشیه‌راندن صداها و کمتر شنیده‌شده نشانگر آن است که مدل‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش‌ها در رویکرد HUL به‌طور متناقضی اعمال می‌شوند؛ و در عمل، به‌سمت گروه‌های ذی‌نفع متمایل به حراست از عناصر ملموس بافت سوق می‌یابند. در نتیجه، خروجی رویکرد HUL در سطح عملیاتی در غیاب ابزارهای مشارکتی و انسان‌محور، از رویکردی بنیادی برخوردار بوده و از گفتمانی ارتدکس تبعیت می‌کند. این پژوهش همچنین نشان داد اگرچه ابزارهای مشارکتی، نظارتی و مالی پیشنهادشده در سطح عملیاتی رویکرد HUL مشخصاً مشارکت گسترده و از پایین به بالای طیف وسیعی از ذی‌نفعان را هدف قرار داده‌اند (گفتمان هترودکس)، با این حال، به‌علت عدم عملیاتی‌شدن این ابزارها در فرآیند مدیریت و عملاً با تمرکز ویژه بر ابزارهای برنامه‌ریزی مبتنی بر ارزش‌ها در فرآیند اجرا (گفتمان ارتدکس)، شکاف قابل توجهی میان «هدف درونی» و «واقعیت بیرونی» رویکرد HUL از نظر تحقق‌پذیری اهداف و سیاست‌ها به‌وجود آمده است (جدول ۲). یعنی علی‌رغم هدف‌گذاری سطح عملیاتی رویکرد HUL بر مبنای «مدیریت تغییر مبتنی بر زمینه‌های محلی» (گفتمان هترودکس)، به‌واسطه کاربرد مدل‌های مبتنی بر ارزش‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی (گفتمان ارتدکس)، رویکرد HUL با چالش‌های روش‌شناسانه‌ای از نظر درک و ارزیابی ارزش‌ها، ارزیابی آسیب‌های ناشی از تغییرات، و نقش کنشگران در ارزیابی و تصمیم‌گیری مواجه است.

این تفاوت گفتمانی به تعارضات و سوءتفاهم‌های میان ذی‌نفعان در برداشت خود از هدف HUL و نحوه هدایت آن منجر می‌شود. به نحوی که HUL به‌جای تضمین تداوم عملکردی میراث شهری، در عمل به حفاظت مادی از مکان‌های میراثی محدود می‌گردد. حال آنکه رویکرد HUL در سطح مفهومی قابلیت پرداختن به لایه‌های جدید تعریف‌شده از سوی گروه‌های ذی‌نفعان را به‌واسطه تفسیری پویاتر از میراث شهری داراست. پرداختن به مفاهیم مرتبط با ارتقای زیست‌پذیری و انسجام اجتماعی موجب می‌شود

توصیه‌نامه HUL ضمن به‌رسمیت‌شناختن ماهیت پویای شهرهای زنده و اتخاذ «رویکرد منظر» جهت مدیریت منابع میراثی، به «استمرار» هویت شهری و کنترل فرآیندهای «تغییر» به‌عنوان عمده چالش‌های پیش روی خود اشاره دارد. نتایج حاصل از این نقد تحلیلی بیانگر آن است که اگرچه رویکرد HUL در سطح مفهومی به گفتمان میراث هترودکس با دیدی انسان‌محور نزدیک می‌شود، با این حال، در سطح عملیاتی به‌واسطه کاربرد «ابزارهای برنامه‌ریزی مبتنی بر ارزش‌ها» (مانند HIA) و «اعمال ضوابط کارشناسانه اقتدارگرا» در نبود ابزارهای مدیریتی و سیستم‌های نظارتی مبتنی بر «زمینه محلی»، به گفتمان میراث ارتدکس با دیدی بافت‌محور سوق می‌یابد (جدول ۲).

با تمرکز بر مفروضات ضمنی متن سند توصیه‌نامه HUL مشخص می‌شود رویکرد HUL در سطح مفهومی با معرفی میراث شهری به‌عنوان منبعی کلیدی برای توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی، و با تأکید بر ارزش‌های جامعه‌ای در چالش‌های پیش رو، نسبت به مدیریت میراث دارای رویکردی ابزاری است. این امر با درک میراث به‌عنوان فرآیندی خلاق، نشانگر پذیرش لایه‌های جدیدی است که از سوی جامعه (کارشناسان مدنی) واجد ارزش تلقی می‌شوند. بدین ترتیب، رویکرد HUL در سطح مفهومی‌اش نسبت به مدیریت میراث از گفتمانی هترودکس بهره می‌برد و در سطح عملیاتی نیز با پیشنهاد فرآیند «مدیریت تغییر» با ایجاد «چهارچوب‌های مدیریت محلی» به دنبال تحقق‌پذیری آن است. با این حال، بنابر نتایج بدست آمده، درحالی که برنامه اقدام HUL برای تحقق‌پذیری گفتمانی هترودکس به رویکردی دموکراتیک و مشارکتی‌تر در ارزیابی و مدیریت منابع میراث شهری اشاره دارد، اما، با اعمال رویکردی مبتنی بر ارزش‌ها که ریشه در دکتترین حفاظتی ارتدکس دارد، در ظاهر مردم را در هسته مدیریت قرار می‌دهد (از طریق مفهوم گروه‌های ذی‌نفع) و در واقع مشارکت جامعه را به‌سمت اجرای هنجارهای قراردادی و مشروع (از طریق مفهوم اجماع آرا) هدایت می‌کند. این امر، علاوه بر

پژوهش در راستای تحقق‌پذیری سیاست‌های رویکرد HUL، به‌کارگیری ابزارهای برنامه‌ریزی با رویکرد «انسان‌محور» و «مبتنی بر زمینه» را در سطح عملیاتی HUL پیشنهاد می‌دهد.

تا فرآیند HIA با تبدیل‌شدن به سازوکاری برای درک، ارزیابی و مدیریت میراث در زمینه‌های محلی، از قابلیت لازم برای کاربرد در رویکرد HUL نیز برخوردار شود. این

پی‌نوشت‌ها

1. The Recommendation on the Historic Urban Landscape, adopted by the 36th session of the UNESCO, Paris, 2011.

۲. هدف از فرآیند مدیریت تغییر اجرای راهبردهایی برای تأثیرگذاری بر تغییر، کنترل تغییر، و کمک به سازمان‌ها و مردم برای انطباق با تغییر است (Akingbola et al. 2019, 4).

۳. حفاظت میراث مبتنی بر ارزش‌ها (Values-based Heritage Conservation) در این جریان، هدف، ابقا و انتقال «منزلت فرهنگی» به‌واسطه «استمرار» حیات کالبدی منابع میراثی است. در این نگرش کالبد مکان به‌عنوان ظرفی برای معنا می‌بایست استمرار یابد تا با انتقال ارزش‌ها به بازتولید آن‌ها در آینده منجر شود. از این رو، در «مدل‌های حفاظتی مبتنی بر ارزش‌ها»، آنچه در فرآیند مدیریت تغییر مدنظر است، حفظ «منزلت مکان» منابع میراثی با اجرای راهبردهایی به‌منظور کنترل تغییر در مشخصه‌های فیزیکی محیط است. تغییر در این جریان، با ماهیتی تکاملی (Evolutionary) و چرخه زندگی (Life Cycle) می‌تواند به ارتقای کیفی محیط منجر شود.

۴. مطالعات میراث انتقادی (Critical Heritage Studies) در این جریان نوظهور، هدف، ابقا و انتقال «معانی» (ساخت اجتماعی) برگرفته از یک محیط تاریخی از طریق «استمرار» معانی است. در این نگرش، کالبد به‌عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر رفتار و درک انسان‌ها در خلق معنا، تازمانی که توان خلق و تداوم معانی اجتماعی و فرهنگی را دارد، می‌تواند تغییر کند (Wells and Stiefel 2019, 18) بدین ترتیب، در «شیوه‌های حفاظتی مبتنی بر شواهد (Evidence-Based Conservation Practice)» به‌منظور حفظ «معانی»، فرآیند مدیریت تغییر به کنترل تغییر در مشخصه‌های رفتاری انسان‌ها می‌پردازد (Wells 2015b, 60). تغییر در این جریان دارای ماهیتی غائی (Teleological) و دیالکتیکی (Dialectical) است که جهت و روند آن تحت تأثیر خواست افراد است.

۵. رویکرد مبتنی بر ارزش‌ها (Values-based Approach) را می‌توان به‌عنوان «عملیات هماهنگ و ساختاریافته‌ای درباره یک شیء یا محوطه فرهنگی / میراثی با هدف اصلی محافظت از منزلت مکان» تعریف کرد. منزلت مکان عبارت است از «امری تعیین‌شده از طریق تحلیل تمامی ارزش‌هایی» (یک ارزش، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها یا کیفیت‌های مثبت است) که جامعه متشکل از گروه‌های ذی‌نفع مختلف (گروه ذی‌نفع، هر گروهی است که منافع قانونی در محوطه دارد) به یک شیء یا محوطه نسبت می‌دهد. (Poulios 2010, 172)

۶. بیانیه ارزش برجسته جهانی (Statement of Outstanding Universal Value) خلاصه‌ای کوتاه است از اینکه چرا یک دارایی میراث جهانی از اهمیت بین‌المللی برخوردار است. این بیانیه‌ای رسمی است که توسط کمیته میراث جهانی هنگام ثبت دارایی در لیست میراث جهانی پذیرفته می‌شود.

7. Guidance on Heritage Impact Assessments for Cultural World Heritage Properties, ICOMOS, January 2011.

۸. قانون میراث (Heritage Law) در رویکرد ارتدکس به‌عنوان تسهیل‌کننده اهداف HS ارتدکس عمل می‌کند، درحالی‌که در رویکرد هترودکس مایل است همان اهداف را زیر سؤال ببرد، و به‌عنوان شریک HS هترودکس عمل کند؛ یعنی، از تکیه بر خود و نقش‌آفرینان خود برای حل مشکلات حقوقی دور شده است و در عوض، نگرانی‌ها و ذی‌نفعان گسترده‌تری را که قبلاً نادیده گرفته شده بودند، در خود ادغام می‌کند (Lixinski 2015, 207).

۹. مطالعات میراث (Heritage Studies) از اواسط قرن بیستم به‌عنوان حوزه‌ای بین‌رشته‌ای در باستان‌شناسی، معماری، جامعه‌شناسی، تاریخ، و... مطرح شد. آن با عبور از پارادایم اثبات‌گرا (ارتدکس)، اکنون پارادایم‌هایی جایگزین مبتنی بر پست مدرن (هترودکس) را ارائه می‌دهد که برای درک

حقایق چندگانه و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی متکثر طیف وسیع‌تری از ارزش‌های ذی‌نفعان مناسب‌تر است. از دیدگاه هترودکس، HS تا حد زیادی در برابر HL مقاومت می‌کند، تمایل به نادیده‌گرفتن قانون و حتی گاهی اوقات رد آن دارد. (Lixinski 2015, 203; Wells 2015a, 249)

۱۰. پژوهش کنشی مشارکتی (Participatory Action Research- PAR) رویکردی تحقیقی که بر مشارکت ذی‌نفعان برای بهبود عملکرد و یافتن پاسخ‌های مناسب برای حل مسئله در فرایند تحقیق متکی است. فالزبوردا (Fals-Borda) یکی از پرکاربردترین شیوه‌های PAR را ایجاد کرد. دو ایده او، «بازیابی انتقادی تاریخ» و «ارزش‌گذاری و به‌کارگیری فرهنگ عامیانه» در فرآیند تحقیق، به‌خوبی با مفاهیم میراث هترودکس مرتبط است (Wells 2015a, 257).

۱۱. شواهد تجربی (Empirical Evidence) برای تولید داده‌ها متکی بر بسیاری از مشاهدات قابل بازتولید و قابل بازیابی بوده و با روشی علمی همراه است. مطالعات میراث انتقادی با رویکردی انسان‌محور به دنبال تولید «شواهدی» است تا حفاظت‌گران بتوانند برای فراهم‌آوردن بستری مناسب برای تفسیر و ارتباط مؤثر با ذی‌نفعان به دانشی قابل تعمیم در زمینه ابعاد روان‌شناختی، قوم‌نگارانه، و تجربی محیط تاریخی دست یابند (Wells and Stiefel 2019, 14,17).

فهرست منابع

- جعفرپور ناصر، س.، اسفنجاری کناری، ع.، و طبیبیان، م. ۱۳۹۹. رویکرد منظر شهری تاریخی ابزاری جدید برای مدیریت میراث شهری. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی ۵ (۷): ۱۸۸-۱۹۳.
- نژادابراهیمی، ا.، پورجعفر، م.، انصاری، م.، و حناچی، پ. ۱۳۹۲. ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی - تاریخی. مرمت و معماری ایران ۳ (۶): ۷۹-۹۸.
- عباس‌زاده، م.، محمدمردادی، ا.، امیرکبیریان، آ.، آیشم، م.، و سلطان‌احمدی، ا. ۱۳۹۷. ارائه مدل ارزش‌مبنا به جهت کاربست ارزش‌های میراث معماری در اتخاذ شیوه‌های حفاظت، مطالعه موردی: مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان. مرمت و معماری ایران ۸ (۱۶): ۱۲۵-۱۴۲.
- عشرتی، پ. و فدائی‌نژاد، س. ۱۳۹۷. به‌سوی رویکردی آرمانی در حفاظت و توسعه منظر شهری تاریخی. مرمت و معماری ایران ۸ (۱۵): ۷۵-۸۸.

منابع انگلیسی

- Abbaszadeh, M., A. Mohammadmoradi et al. 2018. Providing Value-based Model for Application of Architectural Heritage Value in Adopting Conservation Practices Case Study: Takht-e Soleiman World Heritage Collection. *Maremat & Me'mari-e Iran* 8 (16): 125-142. [In Persian]
- Akingbola, Kunle, Sean Edmund Rogers, and Alina Baluch. 2019. *Change Management in Nonprofit Organizatin: Theory and Practice*. Gewerbestrasse: Palgrave Macmillan.
- Australia ICOMOS. 1999. *The Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*. 1979; rev. 1999. Burwood: Australia ICOMOS. Available from: <https://australia.icomos.org/wp-content/uploads/The-Burra-Charter-2013-Adopted-31.10.2013.pdf> (accessed 10 October 2019).
- Australia ICOMOS. 2013. *Burra Charter Practice Notes*. Burwood: Australia ICOMOS. Available from: <https://australia.icomos.org/publications/burra-charter-practice-notes/>
- Avrami, Erica, Randall Mason, and Marta de la Torre. eds. 2000. *Values and Heritage Conservation: Research Report*. Los Angeles, CA: Getty Conservation Institute.
- Avrami, Erica, Susan Macdonald, Randall Mason, and David Myers. eds. 2019. *Values in Heritage Mangement: Emerging Approaches and Research Directions*. Los Angeles, CA: The Getty Conservation Institute.
- Avrami, E., and R. Mason. 2019. Mapping the Issue of Values. In *Values in Heritage Mangement: Emerging Approaches and Research Directions*, eds. Erica Avrami, Susan Macdonald, Randall Mason, and David Myers, 9-33. Los Angeles, CA: The Getty Conservation Institute.
- Bandarin, Francesco. 2015. Introduction: Urban Conservation and the End of Planning. In *Reconnecting the City*, eds. F. Bandarin and R. van Oers, 1-16. Chichester: Wiley Blackwell.
- Bandarin, Francesco and Ron van Oers. 2012. *The Historic Urban Landscape: Managing Heritage in an Urban Century*. Chichester: Wiley Blackwell.
- Bandarin, Francesco and Ron van Oers. eds. 2015. *Reconnecting the City: The Historic Urban Landscape Approach and the*

- Future of Urban Heritage. Chichester: Wiley Blackwell.
- Bond, A., L. Langstaff, R. Baxter, et al. 2004. Dealing with the Cultural Heritage Aspect of Environmental Impact Assessment in Europe. *Impact Assessment and Project Appraisal* 22 (1): 37-45.
- Clark, Kate. 2001. *Informed Conservation*. London: English Heritage.
- Darvill, T. 1995. Value Systems in Archaeology. In *Managing Archaeology*, eds. Malcolm A. Cooper, Anthony Firth, John Carman, and David Wheatley, 40-50. London: Routledge.
- de la Torre, Marta. ed. 2002. *Assessing the Values of Cultural Heritage: Research Report*. Los Angeles, CA: The Getty Conservation Institute.
- de la Torre, Marta. 2014. Values in Heritage Conservation: A Project of the Getty Conservation Institute. *APT Bulletin: The Journal of Preservation Technology* 45 (2-3): 19-24.
- Erkan, Y. 2019. The Way Forward with the Historic Urban Landscape Approach towards Sustainable Urban Development. The Implementation of the UNESCO Historic Urban Landscape Recommendation: Expert Meeting held in Shanghai, China, on 26-28 March 2018, 184-201. Shanghai: WHITRAP.
- English Heritage. 2008. *Conservation Principles, Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment*. London: English Heritage.
- Eshrati, P. and S. Fadaeinejad. 2018. Towards the Ideal Approach in Conservation and Development of Historic Urban Landscape. *Maremat & Me'mari-e Iran* 8 (15): 75-88. [In Persian]
- Fairclough, G. 2003. Cultural Landscape, Sustainability, and Living with Change? In *Managing Change: Sustainable Approaches to the Conservation of the Built Environment*, eds. Jeanne Marie Teutonico and Frank Mtero, 23-46. Los Angeles, CA: The Getty Conservation Institute.
- Fairclough, Norman L. 1995. *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. Harlow: Longman.
- Fairclough, Norman. L. 2001. *Language and Power* (2nd ed.). London: Longman.
- Fredheim L. H. and M. Khalaf. 2016. The Significance of Values: Heritage Value Typologies Re-examined. *International Journal of Heritage Studies* 22 (6): 466-481.
- Frey, B. 1997. The Evaluation of Cultural Heritage: Some Critical Issues. In *Economic Perspectives on Cultural Heritage*, eds. Michael Hutter and Ilde Rizzo, 31-50. London: Macmillan.
- Ginzarly, M., C. Houbart, and J. Teller. 2019. The Historic Urban Landscape Approach to Urban Management: A Systematic Review. *International Journal of Heritage Studies* 25(10): 999-1019.
- Green, Howard L. 1998. The Social Construction of Historical Significance. In *Preservation of What, for Whom? A Critical Look at Historical Significance*, ed. Michael A. Tomlan, 85-96. Ithaca, NY: National Council for Preservation Education.
- Harrison, Rodney. 2013. *Heritage: Critical Approaches*. New York, NY: Routledge.
- ICOMOS. 2011. *Guidance on Heritage Impact Assessments for Cultural World Heritage Properties*. Paris: International Council on Monuments and Sites. Available from: https://www.icomos.org/world_heritage/HIA_20110201.pdf (accessed 10 October 2019).
- Jafarpour Nasser, S., E. Esfanjary Kenari and M. Tabibian. 2020. Historic Urban Landscape Approach: A New Tool for Urban Heritage Management. *The Cultuer of Islamic Architecture & Urbanism* 5 (1): 183-199. [In Persian]
- Low, Setha M. 1981. Social Science Methods in Landscape Architecture Design. *Landscape Planning* 8(2): 137-148.
- Lixinski, Lucas. 2015. Between Orthodoxy and Heterodoxy: The Troubled Relationships between Heritage Studies and Heritage Law. *International Journal of Heritage Studies* 21(3): 203-214.
- Low, S.M. 2002. Anthropological-Ethnographic Methods for the Assessment of Cultural Values in Heritage Conservation. In *Assessing the Values of Cultural Heritage: Research Report*, ed. Marta de la Torre, 31-49. Los Angeles, CA: The Getty Conservation Institute.
- Mason, R. 2002. Assessing Values in Conservation Planning: Methodological Issues and Choices. In *Assessing the Values of Cultural Heritage: Research Report*, ed. Maria de la Torre, 5-30. Los Angeles, CA: The Getty Conservation Institute.
- Mason, Randall. 2006. Theoretical and Practical Arguments for Values-Centered Preservation. *CRM: The Journal of Heritage Stewardship* 3 (2): 21-48.
- McHarg, Ian L. [1969] 1992. *Design with Nature*. Reprint, New York: John Wiley & Sons.
- Nejadebrahimi, A., M. Pourjafar, M. Ansari, and P. Hanachi. 2013. Value and its Relation with Intervention Approach in Historical and Cultural Relics. *Maremat & Me'mari-e Iran* 3 (6): 79-98. [In Persian]
- Patiwael, P.R., P. Groote, and F. Vanclay. 2019. Improving Heritage Impact Assessment: An Analytical Critique of the ICOMOS Guidelines. *International Journal of Heritage Studies* 25 (4): 333-347.
- Pereira Roders, Ana and Francesco Bandarin eds. 2019. *Reshaping Urban Conservation: The Historic Urban Landscape Approach in Action*. Switzerland: Springer Nature.
- Pereira Roders, Ana and John Hudson. 2011. Change Management and Cultural Heritage. In *Facilities Change Management*, ed. Edward Finch, 175-189. Chichester: John Wiley & Sons.
- Pereira Roders, A., and R. Van Oers. 2012. Guidance on Heritage Impact Assessments Learning from its Application on World Heritage Site Manageme. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development* 2 (2): 104-114.
- Pereira Roders, A., and R. Van Oers. 2013. Managing Change: Integrating Impact Assessments in Heritage Conservation. In *Understanding Heritage: Perspectives in Heritage Studies*, eds. Marie-Theres Albert, Roland Bernecker, and Britta Rudolff, 89-104. Bonn: De Gruyter.
- Poulios, Ioannis. 2010. Moving Beyond a Values-Based Approach to Heritage Conservation, Conservation and Management of Archaeological Sites 1 (2): 170-185.

- Rodwell, Dennis. 2018. The Historic Urban Landscape and the Geography of Urban Heritage. *The Historic Environment: Policy & Practice* 9 (3-4): 180-206.
- Rodwell, D., and M. Turner. 2018. Impact Assessments for Urban World Heritage: European Experiences under Scrutiny. *Built Heritage* 2: 58-71.
- Rogers, Ayesha Pamela. 2017. Built Heritage and Development: Heritage Impact Assessment of Change in Asia. *Built Heritage* 1: 16-28.
- Rogers, Ayesha Pamela. 2018. Assessment: Heritage Impact (HIA). In *The Encyclopedia of Archaeological Sciences*, ed. Sandra L. López Varela. Chichester: Wiley. <https://doi.org/10.1002/9781119188230.saseas0048>
- Sagnia, Burama K. 2004. Framework for Cultural Impact Assessment. Senegal: INCD.
- Silva, A.T., and A. Pereira Roders. 2012. Cultural Heritage Management and Heritage (Impact) Assessments. *International Conference on Facilities Management, Procurement Systems and Public Private Partnership*, At: Cape Town, South Africa, 23-25.
- Smith, Julian. 2015. Civic Engagement Tools for Urban Conservation. In *Reconnecting the City*, eds. F. Bandarin and R. van Oers, 221-248. Chichester: Wiley Blackwell.
- Smith, Laurajane. 2006. *Uses of Heritage*. London: Routledge.
- Turner, M. 2013. UNESCO Recommendation on the Historic Urban Landscape. In *Understanding Heritage: Perspectives in Heritage Studies*, eds. Marie-Theres Albert, Roland Bernecker and Britta Rudloff, 77-87. Bonn: De Gruyter.
- UNESCO 2005. Vienna Memorandum on 'World Heritage and Contemporary Architecture – Managing the Historic Urban Landscape'. The UNESCO International Conference on "World Heritage and Contemporary Architecture" held from 12 to 14 May 2005 in Vienna, Austria, The Memorandum adopted by the 29th session of the World Heritage Committee (Durban, 2005). <https://whc.unesco.org/en/documents/5965> (accessed 20 November 2019).
- UNESCO 2011. Recommendation on the Historic Urban Landscape, including a glossary of definitions. *Records of the General Conference, 36th session, Paris, 25 October - 10 November 2011, Vol. 1: Resolutions*, pp. 50-55. <https://whc.unesco.org/archive/2005/whc05-15ga-inf7e.pdf> (accessed 10 September 2019).
- Van Dijk, Teun A. 1993. Principles of Critical Discourse Analysis. *Discourse and Society* 4(2): 249-283.
- Van Dijk, Teun A. 2008. *Discourse and Context: A Sociocognitive Approach*. Cambridge: CUP.
- Van Dijk, Teun A. 2011. Principles of Critical Discourse Analysis. In *Discourse Theory and Practice: A reader*, eds. Margaret Wetherell, Stephanie Taylor and Simeon J. Yates, 300-317. London: Sage.
- Van Dijk, Teun A. 2014. *Discourse and Knowledge: A Sociocognitive Approach*. Cambridge: CUP.
- Veldpaus, Loes. 2015. *Historic Urban Landscapes: Framing the Integration of Urban and Heritage Planning in Multilevel Governance*. Eindhoven: Eindhoven University of Technology (TU/e).
- Walter, Nigel. 2014. From Values to Narrative: A New Foundation for the Conservation of Historic Buildings. *International Journal of Heritage Studies* 20 (6): 634 - 650.
- Wells, Jeremy C. 2015a. In Stakeholders We Trust: Changing the Ontological and Epistemological Orientation of Built Heritage Assessment through Participatory Action Research. In *How to Assess Built Heritage? Assumptions, Methodologies, Examples of Heritage Assessment Systems*, ed. Bogustaw Szymgin, 249-265. Lublin: ICOMOS.
- Wells, Jeremy C. 2015b. Making a Case for Historic place Conservation Based on People's Values. *Forum Journal* 29(3): 44-62.
- Wells, J.C., and B.L. Stiefel. 2019. Introduction: Moving Past Conflicts to Foster an Evidence-based, Human-Centered Built Heritage Conservation Practice. In *Human-Centered Built Environment Heritage Preservation: Theory and Evidence-Based Practice*, eds. Jeremy C. Wells and Barry L. Stiefel, 1-30. NY, New York: Routledge.
- Wodak, Ruth and Michael Meyer. eds. 2009. *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage.
- Zancheti, S.M., and J. Jokilehto. 1997. Values and Urban Conservation Planning some Reflections on Principles and Definitions. *Journal of Architectural Conservation* 3(1): 37-51.